







۱۹

مجموعه نشست‌های  
شناخت و نقد سلفیه

---

## تقابل اهل سنت و وهابیت

---

عصام العماد



مركز الدراسات الإسلامية  
بجامعة القاهرة

سرشناسه	عماد، عصام
عنوان و نام پدیدآور	تقابل اهل سنت و وهابیت / عصام العماد
مشخصات نشر	قم، برگ فردوس، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۴۵ ص.؛ ۱۹/۵ س.م.
شابک	۶-۲۹-۶۳۷۹-۶۰۰-۹۷۸ رایگان
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
موضوع	اهل سنت -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها Apologetic works -- Sunnites وهابیه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها Wahhabiyah -- Apologetic works
شناسه افزوده	مرکز تخصصی ائمه اطهار (علیهم‌السلام) - معاونت پژوهش
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ت۷ع۸/۵/۵/۲۰۶ BP
رده‌بندی دیویی	۲۹۷/۴۱۴
شماره کتاب‌شناسی ملی	۴۵۵۶۷۲۴

مجموعه نشست‌های شناخت و نقد سلفیه / ۱۹

## تقابل اهل سنت و وهابیت

عصام العماد

به کوشش.....معاونت پژوهش (علیرضا بهرامی)  
ویراستار و صفحه‌آرا:.....محمد حسنی نصرآبادی  
انتشارات:..... برگ فردوس  
نوبت چاپ:.....اول/ ۱۳۹۵  
شمارگان:.....۵۰۰۰ نسخه  
چاپ:.....یاران  
لیتوگرافی.....مهران

این اثر با حمایت مالی یکی از مؤمنین منتشر شده است.

مرکز بخش: قم، میدان معلم، مرکز تخصصی ائمه اطهار (علیهم‌السلام)  
تلفن: ۳۷۸۳۹۵۹۵-۳۷۷۳۳۵۴۵



## فهرست

۳	..... سخن مرکز
۹	..... تقابل اهل سنت و وهابیت
۹	..... مقدمه: گزارشی از جریان‌های فکری - عقیدتی اهل سنت
۲۱	..... پرسش و پاسخ



## سخن مرکز

الحمد لله رب العالمين  
و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

سلفیه فرقه‌ای است انحرافی که طرز تفکر و عمل برخی از صحابه، تابعان و تابعان آنان را حجت شرعی برای زندگی در عصر حاضر قلمداد می‌کند. پیروان این عقیده با خروج از موازین فقه مذاهب چهارگانه اهل سنت، و باز کردن راه اجتهاد بر اساس فهم خود از عمل صحابه، باب پیدایش برخی فتاوی افراطی نادرست و سلیقه‌ای را گشوده‌اند. آغاز این تفکر از سده چهارم هجری قمری است اما بعدها توسط ابن تیمیه و شاگردانش مدون شد و نهایتاً با محمد بن عبدالوهاب و از طریق حاکمان آل سعود در دوران معاصر تجدید حیات یافت.

تکفیری عنوانی است که به فرد یا جریانی اطلاق می‌شود که برخاسته از قرائت‌های مختلف سلفی و هابی است. این تفکر، مسلمانان را به صرف هم عقیده نبودن با آنان و برخلاف معیارهای

شرعی شناخته شده، به کفر و خروج از دین متهم می‌کنند. کافر خواندن مسلمانان و پیروان مذاهب اسلامی پیامدها و آثار عملی فراوانی در جوامع اسلامی داشته، چنان که فتاوای تکفیری منشأ بسیاری از اقدامات تروریستی در پاکستان، عراق، سوریه، افغانستان، مصر، آفریقا و اروپا شده است.

شیعه‌شناسی گروه‌های مختلف سلفی (وهابی) اعم از جهادی و تکفیری به رغم همه اختلاف نظرهای درونی‌شان دربارهٔ مسائل دیگر، شکلی یکسان و مشابه دارد و متأثر از آثار ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم است.

یکی از مهم‌ترین دلایلی که آنان در توجیه تکفیر شیعیان ارائه داده‌اند، ادعای دروغین (اعتقاد شیعه به تحریف قرآن) است. یهودی قلمداد کردن عقاید شیعه، اتهام ناروای دیگری است که از سوی سلفی‌ها مکرر بیان می‌شود. این اتهامات ناجوانمردانه در حالی متوجه شیعیان می‌شود که علمای بزرگ شیعه چون شیخ صدوق (ره) تا روزگار معاصر (همانند امام خمینی (ره))، همگی بر تحریف ناپذیری و صیانت قرآن از تحریف تأکید کرده‌اند. از طرفی دیگر، تنها کشوری که تمام‌قد در مقابل ظلم و ستم صهیونیسم جهانی و منافع نامشروع آنان ایستاده و از منافع مسلمانان و ملت مظلوم فلسطین دفاع می‌کند ایران اسلامی و حکومت شیعی است. در حالی که بزرگان سلفی معاصر حتی از محکوم کردن تجاوزات صهیونیسم در قالب یک بیانیه نیز اجتناب نموده‌اند.

سلفیه در طول تاریخ همواره فرقه‌ای حاشیه‌ای در کنار مذاهب اصلی چهارگانه برادران اهل سنت بوده است.



خاستگاه آنان هر چند مذهب حنبلی است، اما خود اهل اجتهادند و از صورت سنتی آن خارج شده‌اند. سیاست رسمی عربستان سعودی مبتنی بر تصفیه متون اهل سنت از هر مطلبی که خارج از اعتقادات سلفی است، و تربیت دانشجو و استاد بر پایه متون جدید با هدف تبدیل سلفیه به جریان اصلی اعتقادی اهل سنت شکل گرفته است. این سیاست که از حدود نیم قرن گذشته شروع شده موجب بزرگترین جابجایی جمعیتی استاد و دانشجو در جهان اسلام جهت تعلیم و تربیت آنان با افکار تکفیری و سلفی و کوششی هدفمند برای تغییر عقاید اسلامی در سطح جهان اسلام می‌باشد که نه تنها خطری برای تشیع، بلکه خطری بزرگ برای جهان اسلام است. عموم علمای اهل سنت پیرو سلفیه وهابی نیستند و خود مورد حمله و طعنه و هابیان هستند و آنان که به ادبیات سلفیه آشنایی دارند، سنت ردیه‌نویسی سلفی‌ها بر عقاید دیگر مسلمانان را به خوبی می‌شناسند.

شیخ محی‌الدین عقیفی - رئیس مرکز تحقیقات اسلامی الأزهر - در گفت‌وگو با یکی از پایگاه‌های خبری مصر اظهار می‌دارد: «هیچ مسلمانی نمی‌تواند از تیر تکفیر سلفی‌ها جان سالم به در برد، چون آنها همه گروه‌های اسلامی را تکفیر می‌کنند و غیر خود را اهل بدعت می‌دانند در حالی که خود آنها بیشترین بدعت را تأسیس کردند».

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران و صدور پیام استقلال و آزادی و ظلم و استکبارستیزی به سایر کشورهای

مسلمان و پیدایش بیداری اسلامی در آنها، صهیونیزم و استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا که منافع خویش را در خطر می‌دید و اسرائیل غاصب و جنایتکار که نقشه‌ها و خیال‌پردازی‌های توسعه‌سرزمینی از نیل تا فرات را نقش بر آب یافت، برای جلوگیری از تشکیل حکومت‌های مردمی و اسلامی و تضمین چپاول منافع مسلمین با عملیاتی کردن شعار استعماری «تفرقه انداز و حکومت کن» تفرقه بین مسلمانان را در دستور کار خویش قرار داد.

در همین راستا با کمک حاکمان خودکامه سعودی و عالمان درباری آن دیار گروه‌های تکفیری را ساماندهی و به نام خلافت اسلامی با قتل و جنایت و ترور و بمب‌گذاری و وحشی‌گری دست به اسلام‌هراسی زده، علاوه بر مشوه‌نشان دادن چهره اسلام، مسلمانان را در کشورهای اسلامی به جان هم انداخته و با بی‌رحمی تمام با قتل و کشتار مسلمانان و تخریب زیرساخت‌ها، برخی از کشورهای اسلامی را به ویرانه‌ای تبدیل کرد.

مقابله با این مصیبت بزرگ و خطر عظیم، بر همه مسلمین، به ویژه حوزه‌های علمیه و علمای جهان اسلام واجب و واضح است. مقابله اصلی با افکار منحط تکفیر مقابله فرهنگی است، از این رو، راهکارهای سیاسی و نظامی و لوازم و مؤثر است، ولی بدون مبارزه فرهنگی و تبیین ماهیت جعلی و ساختگی و خارج از اسلام فرقه تکفیر برای مسلمانان و مردم جهان، نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد.

مرجع ژرف‌اندیش و زمان‌شناس مرحوم آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی رحمته‌الله‌علیه با احساس خطر نسبت به افکار شوم و هابیت، دستور

تأسیس مرکزی تخصصی جهت مقابله با چنین تفکراتی را صادر فرمودند، پیرو منویات ایشان از سال ۱۳۸۳ این مرکز تأسیس و به تربیت دانش پژوهانی برای مقابله با توطئه‌های وهابی آمریکایی و تألیف کتاب‌های ارزشمندی چون رویکرد عقلانی بر باورهای وهابیت در سه جلد و وهابیت عامل تفرقه مسلمانان و کتاب سلفیان در گذر تاریخ را به زبان‌های عربی، فارسی، اردو در تیراژهای وسیع چاپ و منتشر نموده است.

در همین راستا و جهت انجام این وظیفه دینی، مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم‌السلام تحت اشراف مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام اقدام به شناسایی و رصد روزمره جدیدترین وقایع و راهبردهای دشمنان وحدت اسلامی نموده و جهت شناساندن ماهیت جعلی گروه‌های تکفیری و تبیین افکار و عقیده انحرافی‌شان با استفاده از ظرفیت بالای حوزه علمیه و استفاده از اساتید میرز اقدام به برگزاری سلسله نشست‌های علمی پژوهشی شناخت و نقد سلفیه نموده است. سلسله نشست‌های حاضر سومین دوره انتشار نشست‌های شناخت و نقد سلفیه است. امید است که این اقدام مایه آگاهی بخشی جامعه و جوانان و مورد قبول خداوند تبارک و تعالی و ذخیره قبر و قیامت‌مان باشد.

در خاتمه از عنایات ویژه و راهنمایی‌ها و تشویق و حمایت‌های مادی و معنوی ریاست محترم مؤسسه جهانی فقه ائمه اطهار علیهم‌السلام، حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ محمدجواد فاضل لنکرانی (دامت برکاته) نسبت به فعالیت‌های مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم‌السلام نهایت تقدیر و سپاسگزاری را دارم.

همچنین از همه همکاران، به ویژه معاونین محترم آموزش و پژوهش حجج اسلام اسدالله رئیسی و علیرضا بهرامی که توفیقات این مرکز نتیجه زحمات و اخلاص آنان است تشکر می‌نمایم.

خداوند را روح ملکوتی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و منادی وحدت مسلمین حضرت امام خمینی علیه السلام و همچنین روح بلند مرجع وارسته جهان تشیع و بنیان‌گذار مرکز عظیم فقهی ائمه اطهار علیهم السلام حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی علیه السلام را با اولیائشان محشور فرما.

به امید پیروزی حق بر باطل و وحدت همه مسلمین تحت پرچمی واحد.

مدیر مرکز تخصصی ائمه اطهار علیهم السلام

حسین حبیبی تبار

## تقابل اهل سنت و وهابیت

مقدمه: گزارشی از جریان‌های فکری - عقیدتی اهل سنت<sup>۱</sup>

مجموعهٔ جریان‌های فکری اهل سنت که در کتاب‌های فرقه‌نگاری و ملل و نحل بدان‌ها اشاره شده را می‌توان بر اساس روش استنباط و منابع استنباط به سه جریان و گروه فکری تقسیم کرد: (۱) جریان عقل‌گرا؛ (۲) جریان حدیث‌گرا و (۳) جریان معناگرا. جریان عقل‌گرا نیز به دو جریان افراطی و تقریپی قابل تقسیم است. از جریان‌های عقل‌گرای افراطی در فقه می‌توان به حنفی‌ها و ابوحنفیه مثال زد که در فقه و همچنین در کلام عقل‌گرای حداکثری افراطی بوده‌اند و به هیچ وجه به حدیث و به نصوص اعتنایی نداشتند.

در حوزهٔ کلام نیز معتزلی‌ها مثال بارز عقل‌گرای افراطی‌اند که تأکید حداکثری بر عقل داشتند و در تأویل نصوص کاملاً از ضوابط لفظ هم خارج می‌شدند و تفاسیر کاملاً آزاد از نصوص (چه حدیث

---

۱. حجت‌الاسلام دکتر محسن مروّجی طبسی، دبیر علمی جلسه.

و چه قرآن) ارائه می‌کردند. مالکی‌ها را می‌توان زیرمجموعه جریان عقل‌گرای غیر افراطی در فقه به حساب آورد، در حوزه کلام نیز ماتریدیه نمونه شاخص جریان عقل‌گرای غیرافراطی‌اند که هم در تفاسیرشان و هم در استنباط‌هایشان نگاهی حداقلی به عقل دارند، به این معنا که گاه در برابر نص تسلیم می‌شوند و با خضوع آن را می‌پذیرند.

جریان حدیث‌گرای اهل سنت - به عنوان قسیم جریان عقل‌گرا - نیز به دو گونه افراطی و غیر افراطی قابل تقسیم است. حنبله از مصادیق جریان حدیث‌گرای افراطی در فقه‌اند و در کلام نیز ظاهری‌ها، مثال و مصداق بارز حدیث‌گرایان افراطی‌اند؛ کسانی که از آنها به «اهل حدیث» هم یاد شده و در مسائل کلامی و فقهی رویکرد و نگاهی حداکثری به حدیث دارند و حتی نسبت به قرآن هم نگاه‌شان نگاه مثبتی نیست و در مقام تعارض نگاهی به عقل نیز ندارند و جمود بر ظواهر نصوص و احادیث دارند.

شافعی‌ها را می‌توان از جمله جریان‌های حدیث‌گرای غیر افراطی در فقه به حساب آورد و البته در کلام، اشاعره مصداق و نمونه شامخ حدیث‌گرایان غیرافراطی‌اند که نگاهی کاملاً حداقلی به حدیث و نص دارند. صوفیان اهل سنت را می‌توان مثال بارز جریان معناگرا به شمار آورد که البته شاخه‌ها و انشعابات درونی بسیار دارند؛ سلسله ذهبیه، احمدیه، رسائیه از جمله شاخه‌ها و فرقه‌هایی هستند که هر یک قرائت‌هایی از مذهب و اسلام دارند و بیشتر هم جریان‌های طریقتی هستند.

با نگاهی به مناسبات و تعامل این جریان‌ها با هم درمی‌یابیم که

مناسبات این جریان‌ها با هم به شدت متضاد و متشدد است، اهل حدیث، عقل‌گراها را تکفیر می‌کنند و نقل‌گراها هم اهل حدیث را باطل و بر خطا می‌دانند و اگر بخواهیم ریشه‌یابی کنیم می‌بینیم که وهابیون جزء حدیث‌گرای افراطی به شمار می‌آیند که به شدت با این سه جریان در تقابل‌اند. به بیان دیگر، وهابیت که اهل حدیث افراطی است، حتی اهل حدیث غیر افراطی را هم بر نمی‌تابد و نمی‌پذیرد. با جریان‌های صوفی مشرب و معناگرا نیز به شدت مخالفت کرده و آنها را تکفیر می‌کنند. عقل‌گرای اهل سنت نیز کاملاً از اینها تبری می‌جویند. واقعیت این است که این اختلاف‌ها چنان عمیق است که اگر کتاب‌های عقل‌گراها یا حدیث‌گراها و حتی معناگرای اهل سنت را مطالعه کنید، می‌بینید که حتی ناسزا و فحش‌نثار هم می‌کنند و یکدیگر را به حرامزاده بودن متهم می‌کنند. با این همه اختلاف‌ها اما جای این پرسش وجود دارد که چگونه وهابیت در حال رسیدن به یک انسجام و اتحاد با اهل سنت کنونی است؟ و چگونه با این همه تقابل‌ها و اختلاف‌نظرها چنین تعامل و وفاقی می‌تواند ممکن شود؟

در گام نخست، این مسئله و مشکل باید تبیین شود تا راه‌حلی برای حل آن بیابیم.

اینک و پس از بیان این مقدمه اجمالی از سخنان و صحبت‌دکتر عصام العباد بهره‌مند می‌شویم.

**دکتر عصام العباد:** مسئله مهم که باید بدان توجه داشت این است که به دو شکل و گونه می‌توان به نقد وهابیت پرداخت. (۱) نقد

از درون و ۲) نقد از بیرون. که هریک ویژگی‌ها و شاخصه‌های خاص به خود دارند. نقدهای شخصیت‌هایی چون مرجع بزرگوار آیت الله سبحانی که در نقد وهابیت، کتاب‌ها و آثار درخور توجه دارند، نمونه‌هایی از نقدهای بیرونی‌اند که بر اساس تفکرات عقلی و نقلی و آشنایی با علوم اسلامی وهابیت را نقد کرده‌اند. برخی نقدها البته نقد از درون‌اند به این معنا که شخصیت‌هایی که در جامعه وهابیت زندگی کردند و با وهابیون در یک مقطع زمانی، در یک مدرسه، در مسجد، در دانشگاه، هم‌زیستی و مشارکت اجتماعی داشته‌اند و در نمازهای جماعت وهابیون شرکت داشته و به طور کلی آشنایی و اشراف به ماهیت و منهج وهابیت دارند و از درون به نقد وهابیت پرداخته‌اند مثل نقدهای امام کوثری.

امام کوثری شخصیت برجسته جهان اهل سنت و متوفای سال ۱۹۵۲ میلادی است که تقریباً بیش از ۷۰ سال است که از دنیا رحلت کرده‌اند. او اهل ترکیه و شهر استانبول بود و شیخ الاسلام اهل تسنن در دولت عثمانی بود و از نزدیک با وهابیت آشنایی بود و از همین رو، نقدهای او را درونی می‌شماریم. شخصیت‌هایی مثل امام کوثری یا امام محمد غزالی مصری، استاد دانشگاه عربستان سعودی بودند و سال‌ها در عربستان شاگردان زیادی داشتند و حتی وهابی‌ها نیز در جلسه درس آنها شرکت می‌کردند. آنها امام جماعت مسجد وهابی‌ها بودند.

شایان ذکر است که یکی از سیاست‌های آل سعود این است که شخصیت‌های برجسته جهان اسلام را برای تدریس دعوت می‌کند تا امام جماعت مسجد باشند و بتوانند زمینه جذب آنها به وهابیت را



فراهم کنند. واقعیت این است که اگر کسی واقعاً عالم و آشنا به علوم اسلامی باشد به وهابیت نمی‌گردد و از همین روست که اکثر شخصیت‌های سنی که وهابی شدند، مُلا نبودند. علامه کوثری، علامه شیخ محمد غزالی، علامه ابوالاعلی مودودی، علامه ابوالحسن ندوی و بزرگان زیادی در جهان اسلام هیچ‌گاه وهابی نشدند، چون اینها واقعاً در حوزه علمیه سنتی اهل سنت درس خواندند؛ همین حوزه ابوحامد غزالی، فخر الدین رازی و حوزه اظهر شریف و زیتونه که واقعاً حوزه علمیه وهابیت از لحاظ علمی حریف اینها نمی‌شود به همین جهت تمام تلاش وهابیت برای جذب علمای بزرگ اهل سنت، از راه دعوت آنها به عربستان ناکام ماند و در این راه چندان موفق نبوده‌اند.

سید حوا، از دیگر شخصیت‌هایی است که نقد درونی می‌کند. عربستان برای او هزینه بسیار کرد و او را به عربستان دعوت کرد، به او شناسنامه و شهریه دادند، مدرسه به او دادند، ولی او باز هم وهابی نشد! چرا؟ چون مُلا و عالم بود. او صاحب یک دوره کامل تفسیر قرآن است که معروف است به *الاساس فی التفسیر* و همچنین دوره کامل در شرح سنت نوشته که ۲۰ جلد است با نام *الاساس فی السنة* و نزدیک به ۵۰ کتاب دیگر نگاشته است. سعید رمضان مفتی اعظم بزرگ سوریه، نیز از همین سنخ است که از سیر علم و اشراف به ماهیت وهابیون به نقد درونی پرداخته و در این زمینه کتابی نوشته به نام *السلفیه* مر حلة زمنية مباركة به فارسی ترجمه شده است.

ویژگی‌های نقد درونی امام کوثری بسیار مهم است، نخستین ویژگی این است که شخصی که از درون وهابیت را می‌شناسد و با

وهابیت انس داشته است، حالت تهاجمی ندارد و به مسائل وهابیت تنها به‌عنوان پاسخ به شبهات نمی‌نگرد، مثل آن محقق فرانسوی «جان بیاجه» است که کتابی به نام دیوانگان در ده جلد نوشته است. این محقق ده سال با دیوانه‌ها زندگی کرد و در یک اتاق با دیوانگان زیست و تعامل داشت و سپس درباره آنها کتاب نوشت. کوثرانی، سید حوا، محمد غزالی چنین رویکردی داشته و دارند و از درون مسائل وهابیت را شرح کرده و نقد می‌کنند.

به اعتقاد من، می‌توان کوثری را بنیانگذار نقد درونی وهابیت در جهان اهل سنت دانست، چون نخستین کسی است که در جهان اهل تسنن مسئله نقد وهابیت را جدی گرفت و آثار درخور توجهی نگاشت. الحمدلله امروزه توسط شاگردان ایشان در سراسر جهان مقالاتی در این زمینه جمع شده که به «مقالات محمد زاهد کوثری» معروف است. با اینکه کوثری، ترک زبان است اما کاملاً آشنا به عربی و ادبیات عرب است و شما وقتی مقالات علامه کوثری را بخوانید، می‌بینید قلم ایشان مثل قلم ابن ابی الحدید یا مثل قلم آیت الله محمد تقی شوشتری و دیگر نویسندگان بزرگ جهان اسلام است که افزون بر نگاه و اندیشه، واقعاً قلم قوی و تأثیرگذاری دارند. بنابراین، قلم رسا و تأثیرگذار او یکی از ویژگی‌های برجسته اوست.

ویژگی دیگر آشنایی به متون اسلامی است، یعنی اگر امروزه اهل سنت و حتی وهابیون بخواهند کتابی چاپ کنند، ناچارند به کتاب کوثری مراجعه کنند. کوثری با اکثر کتب و حتی مفقودات - از نسخه‌هایی که صحیح و غیر صحیح اند - در سراسر جهان اسلام آشنایی کامل داشته‌اند، و همچنین زهد ایشان از جمله دیگر

ویژگی‌های اوست؛ در زمان دولت عثمانی طرفداران لائیک آتاتورک، همهٔ امکانات با به او تقدیم کردند که از لائیک‌ها حمایت کند ولی ایشان از ترکیه به مصر فرار کردند و در آن‌جا مستأجر می‌شود. حتی علمای الازهر، آقای محمد ابوزهره که به او امام العصر می‌گویند و بزرگترین علامه مصری است، گفته است من پیش از این از امام کوثری شنیده بودم، کتاب‌های ایشان را مطالعه کردم، ولی وقتی ایشان را از نزدیک دیدم، دریافتم که صد برابر آن چیزی است که شنیده بودم و به واقع، بی‌نظیر بود.

شخصیت بزرگی همچون کوثری که آشنا به علوم قرآنی، کلام و علوم عقلانی است و در نقد وهابیت می‌نگارد، مشکل بزرگی برای وهابیت است. به همین دلیل امروزه کتابی در سراسر جهان وهابیت تدریس می‌شود به نام کتاب التَّنْکِیر که یک کتاب درسی است و در ردّ امام کوثری نوشته شده و هر مُلّای وهابی باید این کتاب را بخواند. یعنی با اینکه کوثری نزدیک به ۷۰ سال است که از دنیا رفته، هنوز در سراسر جهان کتاب‌ها و مقالاتی در ردّ او می‌نویسند. جالب توجه است که در زمان کوثری هنوز وهابیت جهانی و نهادینه نشده بود و هنوز دولت سعودی چنین امکانات و تشکیلاتی نداشت و نفت نبود تا مایهٔ رونق وهابیت بشود، با وجود این، کوثری پیش‌بینی می‌کرد که وهابیت خطری برای جهان اسلام در آینده است.

از دیگر ویژگی‌های کوثری احترام به آل محمد بود. کتابی به نام الروض النظیر فی معنی حدیث الغدیر نوشتهٔ علامه السیاحی در زمان علامه کوثری چاپ شد که نویسندهٔ کتاب از کوثری می‌خواهد که مقدمه‌ای بنویسد. در آن مقدمه، محبت و عشق کوثری به امام

علی و اهل بیت علیهم‌السلام به روشنی تجلی یافته است. من این مقدمه و مقاله را خواندم و واقعاً فهمیدم که ایشان علاقه عجیبی به اهل بیت علیهم‌السلام داشتند. در آن جا به صراحت می‌گوید: «امام علی مدینه العلم» است برای بشریت و مظلوم‌ترین انسان است و به همین علت، با وجود همه یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به حضرت علی علیه‌السلام مراجعه می‌کردند؛ دلیل اینکه علوم علی علیه‌السلام به دست ما نرسیده است، به علت کارشکنی‌های امویان و عباسیان بوده است. کوثری مقاله‌ای نوشته که به ناصبیان و ناصبی‌گری و نقش آنها در کم کردن روایت امام علی علیه‌السلام و مظلومیت آن حضرت پرداخته و به علم امام زین‌العابدین علیه‌السلام اشاره کرده است.

او بر علیه ناصبی‌گری چه در شرق یعنی همین ابن تیمیه و چه در غرب یعنی ابن حزم اندلسی، مقاله می‌نویسد و می‌گوید اینها به اسلام خیانت کردند. پس کوثری آشنایی کامل هم به مظلومیت اهل بیت علیهم‌السلام و عظمت امام علی علیه‌السلام داشته و حتی در این مقاله در مورد علوم امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام نیز به نکاتی اشاره کرده است.

آقای محمد زهره شاگرد امام کوثری است و اکثر کسانی که در جهان اهل تسنن بر علیه وهابیت مطلب نوشته و یا می‌نویسند از شاگردان امام کوثری و یا شاگردان شاگردان امام کوثری بوده و هستند؛ مثل محمد سعید رمضان، صدیق غماری، حسن سقاف، حسن مالکی و... یکی از ویژگی‌های دیگر این که ایشان عموماً مباحثی که وهابیت فکر می‌کند که ما صاحب نظر هستیم، فکر می‌کند اصلاً مسئله علم رجال و علم حدیث در جهان اهل تسنن

منحصر به وهابیت و الیمانی و پیروان ابن تیمیه است. ولی امام کوثری در مباحث رجالی صاحب نظر، محدث و حافظ بود و آقای یحیی معلمی الیمانی اهل یمن، مجبور شده یک کتاب کامل تنها در نقد اندیشه‌های علامه کوثری در علوم حدیث بنویسد. او به واقع، صاحب نظر بود و معتقد بود که با سند و ادله می‌توان ثابت کرد که احادیثی که در کتب اهل تسنن در مورد خداوند و جسمانیت او وجود دارد از سوی اعراب بی‌سواد نقل شده‌اند.

او با آمار دقیق و با استناد به کتب بزرگان قرن اول و دوم ثابت می‌کند که بسیاری از روایان حدیث در کتب اهل تسنن (کتب شش‌گانه، ده‌گانه، صدگانه) که ناقل روایاتی به ویژه در باب صفات خداوند هستند از اعراب جاهل و نادان و بی‌سواد بوده‌اند و یک عده از دشمنان اسلام به تعبیر خودش از یهودی‌ها و نصرانی‌ها و مسیحیان احادیث در صفات خداوند به رسول اکرم ﷺ نسبت دادند و این اعراب نادان و بی‌سواد و ساده‌پذیرفته‌اند. او مستند نشان می‌دهد که برخی حافظان بزرگ که از آنها با نام امام یاد می‌کرده‌اند بی‌سواد بوده و نوشتن و خواندن بلد نبودند و به سادگی امام و حافظ بزرگ خوانده شده‌اند. اساساً در قرن دوم هرج و مرجی حاکم بود و گاه برخی حافظ حدیث رسول اکرم ﷺ لقب می‌گرفتند در حالی که هیچ‌آشنایی به علوم اسلامی نداشتند.

به سایت دانشگاه امام محمد سعود یا دانشگاه ام‌القری یا دانشگاه مدینه مراجعه کنید و پایان‌نامه‌های فوق‌لیسانس و مسائلی که در آنها مطرح می‌کنند را بررسی کنید، ممکن نیست که به علامه کوثری اشاره کنند، چون او مسائل جدید در علم رجال مطرح کرده

است. برای مثال، مسئله بخاری، کتاب‌ها و مقالاتی که او در مورد بخاری نوشت، امروزه در سراسر دانشگاه‌ها رواج یافته است. چون ایشان معتقد است تفکیک میان صحیح بخاری و میان رجال دیگر است، چون می‌گویند این کتاب صحیح بخاری یقیناً کتاب بخاری است، ولی کتاب رجال بخاری معلوم نیست که کتاب بخاری باشد و این خوب است! چون اینها گفتند بخاری به امام صادق ع طعنه زد، او می‌گوید معلوم نیست این کتاب مال بخاری باشد! یعنی نظریات جدیدی مطرح کردند. به اعتقاد او، برخی آمدند در کتب شخصیت‌های مشهور جهان اسلام (مثل بخاری و ابن عربی) دست بردند، مخصوصاً کتاب‌هایی که معروف نبودند، برای مثال کتاب کافی یا کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق مشهور است و کسی نمی‌تواند این کتاب‌ها را تحریف کند، ولی کتاب اختصار شیخ مفید چندان مشهور و در دسترس نیست و ممکن است کسی در این کتاب دخل و تصرف و آن را تحریف کند.

به همین دلایل است که برخی علما می‌گویند کتاب اختصاص منسوب به شیخ مفید است. امام کوثری معتقد بود که برخی کتاب‌های شخصیت‌های معروف مثل بخاری در مورد علم رجال، کتاب اینها نیست و در طول زمان یک عده آمدند نظریات خود را به اسم بخاری مطرح کردند و این بعید نیست یعنی در مسائل کتاب‌شناسی در زمان معاصر ثابت شد که این مسائل غیر عمدی است، یعنی گاهی می‌بینید یک نفر می‌آید حاشیه می‌نویسد در کتاب قدیمی، ولی به مرور زمان این حاشیه به متن ملحق می‌شود و متأخرین وانمود می‌کنند و فکر می‌کنند این نظریات دیدگاه نویسنده

این کتاب است در حالی که این حاشیه یک شخص دیگر است، این خوب است یعنی من معتقدم که این خوب است که ما بتوانیم از علم کوثری به عنوان فردی که کارشناس در کتب اهل سنت هست، بهره بگیریم.

به واقع، وهابیت به تشیع ظلم بسیار کرده است. چیزهایی که بر علیه شیعه گفتند، دروغ و بهتان است، همین طور در مورد تصوف که وهابیون کتاب‌هایی بر علیه جنبش‌های تصوف در همه فرقه‌های اسلامی نوشته‌اند. با مطالعه کتاب‌های کوثری به این نتیجه می‌رسید که وهابیت جنایت بزرگی هم در حق تشیع و هم در حق تصوف کرده است. از همین رو، کوثری مقالاتی نوشته در حمایت تصوف. سعید حوا، شاگرد کوثری نیز مقالات زیادی در حمایت از امام کوثری نوشته است. همان طور که می‌دانید پس از سال‌ها مجاهدت مجاهدین افغانستان، توانستند ارتش شوروی را از افغانستان بیرون کنند، اما وقتی پیروز شدند، نزاع و درگیری میان مجاهدین بالا گرفت و به محاصره و جنگ تبدیل شد و بعد از آن هم طالبان بر افغانستان سیطره پیدا کرد.

به اعتقاد سعید حوا - شاگرد کوثری - یکی از علل این امر جمع و کم کردن تصوف در افغانستان و جهان اسلام بوده است. تصوف به تعریف کوثری یعنی عالم معنوی، جنبه معنوی و عرفانی یا به تعبیر امام کوثری موعظه و اخلاق، وقتی که انسان از تصوف دور شود، از اخلاق و معنویات فاصله می‌گیرد. وهابیت آمدند و در افغانستان تصوف را بیرون راندند و به نوعی اخلاق را بیرون کرده‌اند و همین مایه نزاع و جنگ شد. اگر یک عالم شیعه (مثل آیت‌الله مکارم

شیرازی) کتابی بر علیه صوفی‌گری می‌نویسد، مشکلی نیست، چون ما مکتب عرفانی آل محمد ﷺ داریم که تصوف حقیقی و تصوف پاک است و تصوف برگرفته از نهج البلاغه است، ولی در جهان اهل تسنن که چنین میراث عرفانی‌ای ندارند، ضربه زدن به تصوف یعنی دور کردن جامعه از اخلاق، عرفان و مواعظ.

از همین رو، امام کوثری از تصوف در بین اهل تسنن حمایت می‌کند؛ چرا که جایگزین تصوف در اهل سنت، وهابیت است، بر خلاف شیعه که جایگزین تصوف، آموزه‌های عرفانی و مکتب اخلاقی امام صادق علیه السلام است.

حمایت امام کوثری از تصوف واقعاً بجا بوده است، چون الان جایی که در نیجریه تصوف را منع و نفی کردند و جنگ شروع شد، در سودان هم همین‌طور. چون وهابیت یک کتابی مثل کتاب ابوحامد غزالی در علم اخلاق ندارند، بالأخره صوفی‌ها در مسائل اخلاقی ۱۵۰۰ سال کار کردند و زحمت کشیدند وهابیت آمدند تصوف را از جامعه اسلامی رانده‌اند و به تعبیر سعید حوا، وحشی‌گری در جهان وهابیت به علت عدم وجود تصوف است. بدان رهبر صوفی‌ها در مراکش امام صدیق غماری در کتاب بزرگی به نام الامام علی امام العرفا که کتاب معروفی است تصوفی دارند که برگرفته شده از اهل بیت علیهم السلام است.

امام مراکش (صدیق غماری) می‌گوید: از من ایراد گرفته‌اند که چرا شما گفته‌اید امام العارفين. توجه داشته باشید که عارف در جهان اهل تسنن، یعنی کسی که خداشناس است و امام عارفين یعنی امام همه کسانی که خداوند را می‌شناسند. از این رو، برخی از صدیق



غماری، پرسیده‌اند که چرا امام علی علیه السلام را امام عارفین نامیده است در حالی که خود رهبر اهل تسنن هستید و او گفت پس چه باید بنویسم؟ به او گفتند در مقدمه کتاب، بنویسید خلیفه اول امام عارفین است و او در جواب گفت: برای من جمله‌ای از عمر بیاورید که در باب خداشناسی باشند. کلمات ما صوفی‌های اهل تسنن در باب خداشناسی همه از امام علی علیه السلام است و من معتقدم اگر کلمات امام علی علیه السلام در باب خداشناسی، از کتب صوفی‌ها گردآوری شود، یک کتاب بزرگتر از نهج البلاغه می‌شود. همه ما خداوند را از راه امام علی علیه السلام شناختیم. واقعاً یکی از ویژگی‌های مکتب تصوف اهل تسنن این است که آموزه‌ها و معارف در باب خداشناسی را بیشتر یا از امام علی علیه السلام فرا گرفته‌اند یا از امام جعفر صادق علیه السلام.

## پرسش و پاسخ

■ پرسش: امروزه گرایش به وهابیت بیشتر در میان عوام مردم است، چه باید کرد و چه راهکاری می‌توان ارائه داد؟

■ پاسخ: وهابیون در جهان اهل سنت شخصیت‌هایی مثل «البانی» را معرفی کردند. امروزه آل سعود رسانه جهان تسنن است و هر شخصیتی که به نفع آنها بنویسد و عمل کند به جهان اهل سنت معرفی می‌کنند و از همین رو، شخصیت‌هایی مثل غزالی، امام کوثری، سعید حوا و دیگران به جهان اهل سنت معرفی نشده‌اند. ما می‌توانیم یک کنفرانس بین المللی برگزار کنیم با عنوان بزرگداشت امام کوثری و او را به جهان اهل تسنن بشناسانیم و بگوییم شما غیر از

«البانی» عالمان و شخصیت‌های دیگری هم دارید. برخی وهابیون کوثری را ستون پنجم تشیع در جهان اسلام می‌دانند و معتقدند که راه ورود تشیع به جهان اهل سنت از راه کوثری‌ها و امثال اینهاست. ما باید به چنین شخصیت‌هایی پیردازیم و در رسانه‌ها و در جهان معرفی کنیم، کتابشان را چاپ کنیم، حتی اگر اشتباهی هم داشتند - مثل روش مقام معظم رهبری در ترجمه کتب سید قطب که در پاورقی اشتباهات سید قطب را می‌گوید - همانند کتاب ترجمه سلفیه بدعت لا مذهب، می‌توانیم به اشتباهات آنها مؤدبانه اشاره کنیم و به جهان اهل تسنن معرفی کنیم.

■ پرسش: امروزه اندیشه و مکتب کوثری در ترکیه و جهان عرب و در میان مردم از چه جایگاهی برخوردار است؟

■ پاسخ: مشکل اینجاست که، برای مثال، در ترکیه اکثر ترک‌ها آقای کوثری را نمی‌شناسند، چون کتاب‌های ایشان به ترکی ترجمه نشده، به زبان فارسی ترجمه نشده، ولی کتاب‌های بن‌باز، البانی و بزرگان وهابیت به سراسر جهان فرستاده شده و به اکثر زبان‌های دنیا ترجمه شده است. بسیاری امام کوثری را نمی‌شناسند، اگر او را در دانشگاه‌های ایران معرفی کنیم یا در حوزه علمیه معرفی کنیم، چه بسا موضوع پایان‌نامه باشد و محققانی در باب نقش آقای کوثری در اصلاح‌گری در اهل تسنن پژوهش‌ها و کتب در خور توجهی بنگارند.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

